

تلاش های مذبوحانه علیه آزادی بیان

حفیظ الله ذکی

حمله انتحاری روز چهارشنبه شماری از کارمندان موبی گروپ که تلویزیون طلوع نیز جزو آن است را هدف قرار داد و تا شام دیروز مرگ هفت تن تأیید شده بود. تروریست ها تا کنون در افغانستان به هر قشر و طبقه ای حمله کرده اند، از ملا امامان مساجد گرفته تا زنان و کودکان و مسافران همه هدف طالبان بوده اند. مکتب ها را به آتش کشیده اند، زنان و کودکان را سر بریده اند، مساجد را ویران کرده اند، خلاصه اینکه طالبان و دهشت افگنان بر هیچ طبقه و قشری رحم نکرده اند. در این گروپها، افراد ملکی بی دفاع بزرگترین هدف طالبان بوده اند. هواره حملات انتحاری بیشترین قربانی ها را از میان مردم ملکی گرفته است.

اما خبرنگاران، افراد بی دفاعی که بر اساسی تمامی قوانین، باید جانشان محفوظ باشد، در افغانستان یکی از اقشاری بوده که سخت ترین شرایط را تجربه کرده اند. دولت موظف است تا از جان خبرنگاران حفاظت کند و زمینه های تهدید را از آنها دور گرداند. میزان دشمنی گروه های تروریستی با خبرنگاران را می توان از برخورد آنها با رسانه های گروهی در کندز، در زمانی که تحت تسلط طالبان بود، درک کرد. طالبان با هیچ رسانه های مدارا نکردند و تا توانستند تخریب کردند و از بین بردند.

هر سال شماری از خبرنگاران در ولایات مختلف به شهادت می رسند و یا زخمی و یا آواره می شوند. افغانستان از جمله کشورهای است که بیشترین میزان خشونت علیه خبرنگاران در آن انجام می شود. طالبان، گروه های مسلح غیر مسئول، افراد زورمند محلی، در مواردی دولت مردان و ... همه به نوعی با خبرنگاران برخوردی خشن دارند. خبرنگاران هواره مورد تهدید بوده اند و کمتر تلاشی را شاهد بوده اند که بتواند از حقوق آنها به صورت جدی حمایت کند و یا آنان را در مقابل تهدیدات حفظ کند.

با آنکه رشد رسانه های گروهی یکی از بزرگترین دستاوردهای حکومت های پس از طالبان بوده است، اما این رشد بیشتر مروهون تلاش های خبرنگاران و رسانه گرانی است که از همه زندگی و مال خود مایه گذاشته اند تا صدای مردم را همیشه زنده نگهدارند. میزان بالای آمار خشونت علیه خبرنگاران در افغانستان نشان می دهد که این کشور سرزمینی مهربانی با خبرنگاران نبوده و نیست. کسانی که حمله انتحاری روز چهارشنبه را طرح برزی و انجام داده اند، هدف خود را از میان مظلوم ترین و بی دفاع ترین انسانها در این کشور انتخاب کرده اند. قربانیان این حمله انتحاری، شماری از کارمندان موبی گروپ و زنان و کودکان بوده اند. عاملان این حمله در حقیقت می خواهند آزادی بیان را هدف قرار دهند و در میان خبرنگاران و رسانه گران، رعب و وحشت ایجاد کنند. گفته

ها و تهدیدهایی در گذشته نیز وجود داشته است. خبرنگاران و اصحاب رسانه ها هواره در معرض تهدید بوده اند. اما رسانه ها در افغانستان در تمام سالهای گذشته در کنار یکدیگر بوده و تلاش کرده اند تا با انعکاس حقایق و واقعیت های این سرزمین، صدای مردم خود باشند. خبرنگاران با بودن در میان مردم و بیان واقعیت ها و خواست ها و انتظارات و آرای آنها در سخت ترین شرایط به کار خود ادامه داده اند و این گونه حملات خبیثانه نمی تواند بر کار رسانه ها در افغانستان تأثیری منفی بگذارد، اما دولت و نهادهای مسئول نباید از وظایف خود در قبال رسانه ها غافل شوند. نهادهای مسئول باید در قبال امنیت خبرنگاران مسئول بوده و از تهدیدها جلوگیری کنند.

حمله انتحاری روز چهارشنبه تلاش های مذبوحانه و بزدلانه کسانی را نشان می دهد که می خواهند آزادی بیان را محدود کنند و میزان تهدیدی که ژورنالیستان کشور با آن روبرو هستند.

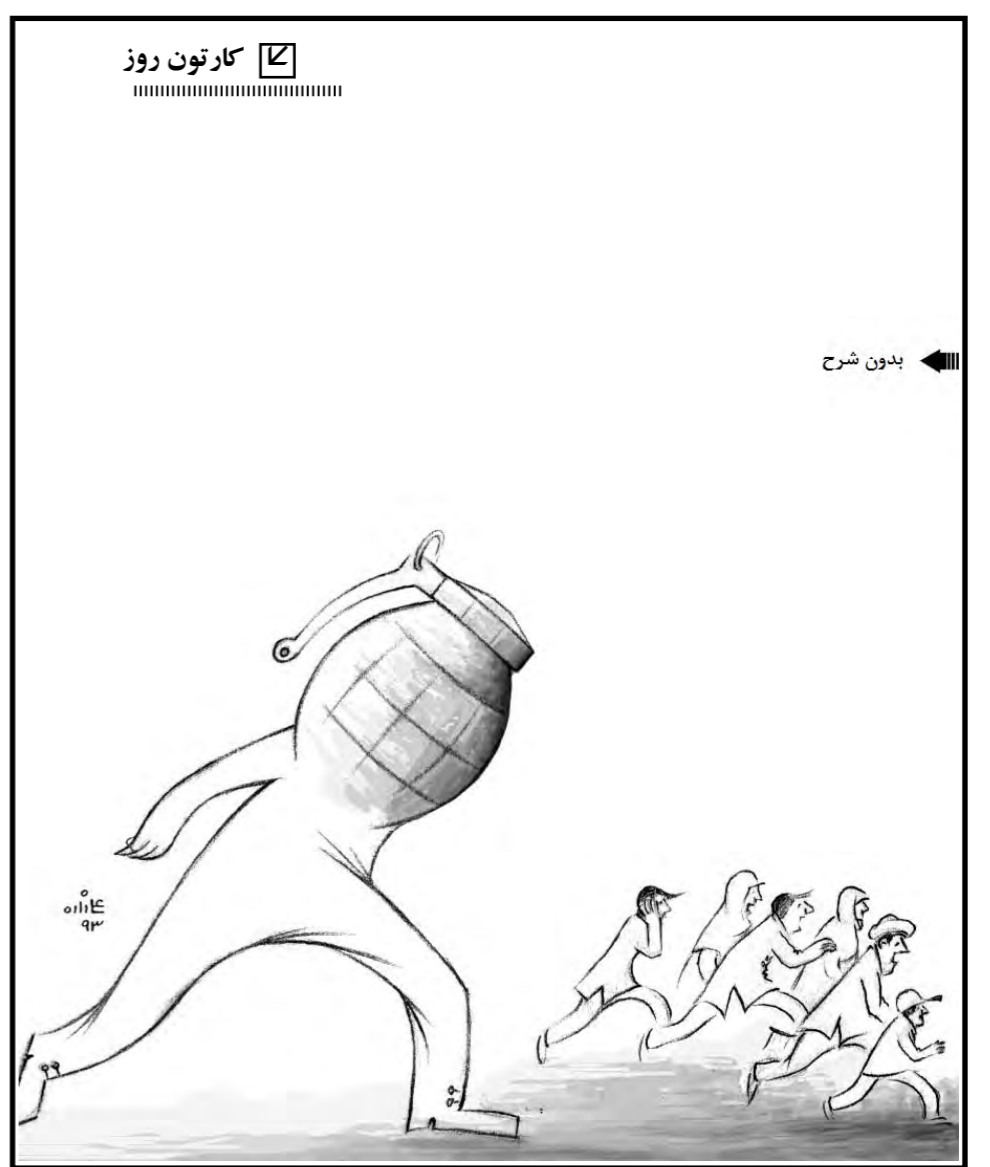
با اعلام توافق سیاسی و ایجاد حکومت وحدت ملی امیدواریها بر آن بود که روند سیاسی کشور نسبت به گذشته بهبود یابد. این امیدواریها در عرصه حکومتداری خوب و نیز ایجاد انسجام در مراکز تصمیم گیری و عملیاتی و نیز درباره بسیاری از مسایل ملی هماهنگی و راهکارهای دقیق تا کنون در امور مهم ملی مشاهده شده است. حاکم از مصداق یافتن این ضرب المثلی «یک بام و چند هوا است» یا به تعبیری رساتر این جمله شیخ اجل حضرت سعدی رحمت الله علیه بیشتر در چگونگی حکومتداری کشور خود را نشان می دهد که «صد درویش در گلیمی بخصبند، دو ملک در اقلیم نکتند». باید به صراحت تمام گفت که اغلب چالش های که امروز جامعه ما و حکومت در عرصه های گوناگون به ویژه تأمین امنیت و قوت یافتن مخالفین و متوقف شدن پروژه های ملی معطوف است به چندگانگی در سطح رهبران حکومت رهبانی که بدون در نظر داشتن منافع و مصلحت کشور و حساسیت اوضاع یکی تأیید می کند و دیگری مخالفت!

باید یادآوری نمود که وجود اختلاف نظر سیاسی در یک ساختار و چهره های سیاسی به خصوص روی موضوعات ملی امری کاملاً طبیعی و حتی مطلوب به نظر می رسد، و آن را می توان ویژگی از یک نظام دموکراتیک دانست. اما تضاد و تنش و تقابل بر روی موضوعات مهم و مسایل اساسی کشور و به خطر انداختن منافع و ثبات کشور هرگز قابل توجیه نبوده و منطقی نمی باشد. آنچه از کارکرد و مدیریت رهبران حکومت وحدت ملی در آینه جامعه تبارز یافته است این است که اختلاف و تقابل بر روی مسایل ملی و روی خطوط اساسی سیاست کشور در بلندترین حد ممکن بروز نموده است؛ این اختلاف نظرها و تقابلها سبب

تا سرانجام مچ شان را می گیرند، و گروهی از ذردان، بخاطر جایگاه شان، شاید هیچ گاه دستگیر نشوند. باز اینجا هم ایرج میرزا را به یاد بیاورید که می گوید «... دزد نگرفته «پادشاه» است»؛ هرکس ز خزانه برد چیزی گفتند مگر که این گناه است. تعقیب نموده و گرفتند دزد نگرفته «پادشاه» است. [۵] ۸. همه ی دزدی ها چهره ی یکسانی ندارند. برخی دزدی ها شیرین تراند و برخی تلخ تر. کفن دزدی را پیش تر مثال زدیم. حتما تصور هم برای خیلی از امروزی ها دشوار است که در قدیم کسانی گورها را کنده و کفن سردگان را می دزدیدند. دزدی هایی مانند کفن دزدی بسیار چندش آورنده، ولی در مقابل دزدی های چندش آور، دزدی های قشنگ و بخشودنی و شیرین هم هست. آیا شده که در بچگی از کتابفروشی کتاب داستان مورد علاقه تان را بزدید؟ شاید گاهی شده باشد که کتاب فروش مچ تان را بگیرد. خب اگر کتاب فروش خودش اهل کتاب خواندن باشد با یک نگاه به قیافه شما فهمیده است که به آن داستان علاقه دارید و نمی خواهید کتاب را جای دیگر آب کنید. ممکن است حتما آن کتاب را رایگان به شما بدهد. بعد شما ممکن است با یک نگاه دریابید که فروشنده خودش در بچگی از این کارها کرده است!

۹. دزدی می تواند چنان فراگیر شود که کامیابی همه ی کسان در جامعه را در بر گرفته و همه ی کردوکارها و سازوکارهای جامعه را بیالاید. داستان نویس ایتالیایی ایتالو کالوینو در داستان کوتاهی [۶] جامعه های را به تصویر می کشد که مردمان اش همه بی استئنا دزد اند؛ شب که می شود هرکس به خانه ی دیگری می رود که چیزی بگذرد در حالی که صاحب آن خانه خود پرای دزدی به خانه های دیگر رفته است. ظاهراً تا جایی که همه به یکسان دزداند همه چیز به خوبی پیش می رود. اما همین که یک نازد به جامعه وارد می شود همه چیز به هم می خورد. البته تا جایی که همه به یکسان دزد باشند گویا عدالت برقرار است و فاصله ی طبقاتی وجود ندارد. اما فرد نازد سازوکار را به هم می ریزد. کالوینو در این داستان نشان می دهد که چگونه دزدی شکل عوض می کند و در پشت کسب و کارها پنهان می شود. سرانجام در شهری که کالوینو به تصویر می کشد زمانی می رسد که دویگر حرفی از «دزدی» نیست و فقط حرف از «دارا» و «ندار» است اما در واقع هنوز همه دزداند.

۱۰. برخی شکل های دزدی، با همه ی درشتی و سترگی شان، بسیار پوشیده و دیربایاند. بسیاری از ما وقتی در شهرهای بزرگ گام



نظام سیاسی موجود، یک بام و چند هوا!

عبدالله هروی



برخاسته از خودکامگی و خواست های شخصی و انحصارگرایانه چشم نپوشند، احتمال این که شدت و دامنه بحران را بتوان در روزهای آتی کنترل نمود به صفر خواهد رسید. مسئله ای دیگر که قابل ذکر می باشد، چنانچه قبلاً اشاره اجمالی نسبت به آن گردید، مسئله جنجال برانگیز اصلاح نظام انتخاباتی است. مناسبانه چگونگی برگزاری چند دور انتخابات گذشته بخصوص انتخابات اخیر ریاست جمهوری با جنجال های روبرو گردید که نزدیک کشور را به کام بحران و سقوط بکشاند. اما به هر تدبیر و سازشی که بود با ایجاد توافقنامه سیاسی از آن مرحله نمودیم. این عبور مشروط بر این بود که باید در نظام انتخاباتی کشور اصلاحات جدی بوجود آید. اما اکنون با گذشت بیش از یک سال و نیم مسئله تحقق اصلاح در نظام انتخاباتی در مرحله تردید و شک قرار دارد. اعلام زمان انتخابات از سوی رئیس کمیسیون انتخاباتی بتاريخ ۲۴ میزان سال آینده در واقع عرض اندامی بود در برابر توافقنامه سیاسی دو جناح حکومت وحدت ملی و خواست مردم. اکنون پرسش این است که گرفته چه پاسخی دارد؟ می بتواند یک شهروندان چگونه وجدان خویش را راضی می سازد که بر آن همه تقلب گسترده چشم پوشیده و نظام انتخاباتی و کمیسیون انتخابات را نیازمند اصلاحات نداند؟

برخاسته از خودکامگی و خواست های شخصی و انحصارگرایانه چشم نپوشند، احتمال این که شدت و دامنه بحران را بتوان در روزهای آتی کنترل نمود به صفر خواهد رسید. مسئله ای دیگر که قابل ذکر می باشد، چنانچه قبلاً اشاره اجمالی نسبت به آن گردید، مسئله جنجال برانگیز اصلاح نظام انتخاباتی است. مناسبانه چگونگی برگزاری چند دور انتخابات گذشته بخصوص انتخابات اخیر ریاست جمهوری با جنجال های روبرو گردید که نزدیک کشور را به کام بحران و سقوط بکشاند. اما به هر تدبیر و سازشی که بود با ایجاد توافقنامه سیاسی از آن مرحله نمودیم. این عبور مشروط بر این بود که باید در نظام انتخاباتی کشور اصلاحات جدی بوجود آید. اما اکنون با گذشت بیش از یک سال و نیم مسئله تحقق اصلاح در نظام انتخاباتی در مرحله تردید و شک قرار دارد. اعلام زمان انتخابات از سوی رئیس کمیسیون انتخاباتی بتاريخ ۲۴ میزان سال آینده در واقع عرض اندامی بود در برابر توافقنامه سیاسی دو جناح حکومت وحدت ملی و خواست مردم. اکنون پرسش این است که گرفته چه پاسخی دارد؟ می بتواند یک شهروندان چگونه وجدان خویش را راضی می سازد که بر آن همه تقلب گسترده چشم پوشیده و نظام انتخاباتی و کمیسیون انتخابات را نیازمند اصلاحات نداند؟

برخاسته از خودکامگی و خواست های شخصی و انحصارگرایانه چشم نپوشند، احتمال این که شدت و دامنه بحران را بتوان در روزهای آتی کنترل نمود به صفر خواهد رسید. مسئله ای دیگر که قابل ذکر می باشد، چنانچه قبلاً اشاره اجمالی نسبت به آن گردید، مسئله جنجال برانگیز اصلاح نظام انتخاباتی است. مناسبانه چگونگی برگزاری چند دور انتخابات گذشته بخصوص انتخابات اخیر ریاست جمهوری با جنجال های روبرو گردید که نزدیک کشور را به کام بحران و سقوط بکشاند. اما به هر تدبیر و سازشی که بود با ایجاد توافقنامه سیاسی از آن مرحله نمودیم. این عبور مشروط بر این بود که باید در نظام انتخاباتی کشور اصلاحات جدی بوجود آید. اما اکنون با گذشت بیش از یک سال و نیم مسئله تحقق اصلاح در نظام انتخاباتی در مرحله تردید و شک قرار دارد. اعلام زمان انتخابات از سوی رئیس کمیسیون انتخاباتی بتاريخ ۲۴ میزان سال آینده در واقع عرض اندامی بود در برابر توافقنامه سیاسی دو جناح حکومت وحدت ملی و خواست مردم. اکنون پرسش این است که گرفته چه پاسخی دارد؟ می بتواند یک شهروندان چگونه وجدان خویش را راضی می سازد که بر آن همه تقلب گسترده چشم پوشیده و نظام انتخاباتی و کمیسیون انتخابات را نیازمند اصلاحات نداند؟

پدیده شناسی دزدی

ر. رمضان/ قسمت دوم و پایانی



است و آقای دزد در این موردها ممکن است سسر خود را بالا گرفته به کار خود ببالد. گویا دزدی های افتخار آمیز پیش تر در جامعه هایی رخ می دهد که ساختاری ناعادلانه دارند؛ شاید عامه ی مردم خوشحال اند که آقای دزد انتقام آنها را گرفته یا دست کم آقای دزد حق خودش را گرفته است. اگر در چنین جامعه هایی زندگی می کنید حتما تاکنون شنیده اید که پسر فلاخی خیلی زرنگ است و در عرض چند سال بار خود را بسته و چند خانه و ماشینی آنچنانی و فلان و بهمان ... خب همه می دانیم که پسر فلاخی به احتمال زیاد نمی تواند کاری جز دزدی کرده باشد. پرسش اینجا است که چرا او را با وصف هایی ستایش آمیز همچون «زرنگ» می ستاییم. در مقابل، در چنان جامعه هایی که آدمی به اصطلاح «حلال خور» باشد و نخواهد میان بر زبند و از هر شیوه ای برای پول دار شدن استفاده کند، شاید شما را بی عرضه خطاب کنند. می بینید که چگونه پدیده ی دزدی می تواند حتی ارزش گذاری های ما هم تأثیر بگذارد. ۱۲. برخلاف برخی دزدی های بسیار بزرگ که دیرگاهی از دیده ها پنهان می مانند،

می زنیم و سنگینی سایه ی آسمان خراش ها را بر وجود خویش احساس می کنیم، متوجه نیستیم که در حقیقت آفتاب زمین از ما دزدیده شده است. یا، وقتی هیاهوی ماشین های جوراجور ذهن ما را و دود اگزوزشان گلوبان ما را آزارد، نمی دانیم که آرامش و هوای پاک از ما دزدیده شده است. در جامعه ای که بنا بر عدالت است، از مالک آن آسمان خراش ها و صاحبان خودروها مالیاتی متناسب گرفته شده و صرف ساختن فضاهای سبز و گردش گاه ها می شود تا دزدی آفتاب و هوا و آرامش جبران شود. اما در جامعه ای که دزدان دست بالا را دارند یا اساساً از این قبیل دزدان مالیاتی گرفته نمی شود یا اگر گرفته می شود، بجای آنکه صرف جبران شود، در جیب دیگر دزدان می رود. ۱۱. گاهی وقتی یک دزدی بزرگ لو می رود ستایش خیلی ها را برمی انگیزد. در برخی جامعه ها، اگر جوانکی بتواند، حال از هر راهی که شده از جمله رشوه و زیرمیزی و ... در مدتی کوتاه سرمایه ای کلان به جیب بزند، وقتی دستش رو می شود برخی حتما او را ستایش می کنند. چنین دزدی هایی به اصطلاح دزدی های باکلاس

برخی شکل های دزدی، گرچه کوچک و کم اهمیت است، بسیار به چشم می آیند و بی آندمهای بسدی برای آزار دارند. همچنین، برخلاف برخی دزدی های بزرگ که باعث افتخار اطرافیان آقای دزد است، برخی دزدی های کوچک دزد بی چاره و همه ی کس و کارش را بی آبرو می کند. داستان نویسن نامدار ایرانی صادق چوبک در داستان «دزد قالیاق» لحظه هایی از زندگی کسی را به تصویر می کشد که هنگام دزدیدن چیزی به بی ارزشی قالیاق خودورد گیر می افتد و بساری این دزدی کوچک بی اندازه تحقیر شده و تا پای کتک می خورد. این داستان خواننده را در بهت و شگفتی قرار می دهد چنانکه از خود می پرسد به راستی دزد کیست: کسی که قالیاق می دزدد یا مردمانی که او را تا پای مرگ آزار می دهند؟

۱۳. گرچه جامعه از نظر میزان دزدی متفاوت اند، نمی توان گفت مردمان یک جامعه در ذات و سرشت شان بیش تر از مردمان جاهای دیگر به دزدی گرایش دارند، اگر اصلاً به چیزی به نام ذات برای انسان قائل باشیم. گویا قبیله بسیار پیچیده تر از یک مسئله ی صرفاً اخلاقی است. مردمان هر جامعه ای می کشند آسان ترین راه را برای پیش بردن زندگی شان برگزینند و این آسان ترین راه ممکن است در یک جامعه راه کار و زحمت صادقانه باشد در حالی که در جامعه ی دیگر چیزی جز تسلی به دزدی نباشد. خب چنان تفاوتی بهنجوی همه چیز را متأثر می کند: فرهنگ را، روابط میان انسان ها را، و حتماً منشاء آدم ها را. این روزها واژه ی «ساختار» را زیاد می شنویم؛ گفته می شود باید ساختار جامعه را اصلاح کرد. اما منظور از ساختار جامعه دقیقاً چیست؟ آیا ساختار جامعه چیزی جز خود مردم است؟ و چه کسی قرار است آنچه ساختار جامعه می نامیم را اصلاح کند؟ کسی جز خود مردم؟

پانویس ها [۱] پدیده شناسی یک ترک فلسفی ست. اما در این نوشتار چندان در بند معنای دقیق فلسفی اش نباشید. [۲] به معنای دزد [۳] بوستان سعیدی، باب هفتم، در عالم تربیت [۴] Kleptomania [۵] قلمه ی «دزد نگرفته» برگرفته از: ایرج میرزا. تحقیق در احوال و آثار و افکار و اشعار ایرج میرزا و خاندان و نیاکان او. به اهتمام محمدجعفر محبوب، تهران، گلشن، ۱۳۵۶. ۱۶۹. برای من روشن نیست که آیا شاعر هر دو معنای «پادشاه» را در نظر داشته است یا نه.

روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله یانگتر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد. روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است. www.dailyafghanistan.com Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا
مدیر مسول: محمد رضا هویدا
سردبیر: حفیظ الله ذکی
کاریکاتوربست: خالق علی زاده

دیزاین: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان
آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷